

آذربایجان: کشوری مسلمان در جنوب

قفقاز؛ دارای نقش عمده در مسیر و تاریخ

حج

آذربایجان از کشورهای عضو کنفرانس اسلامی است که همه ساله حدود ۴۰۰۰ نفر از ساکنان آن حج می‌گزارند.^۱ این کشور در سده‌های دهم تا سیزدهم هجری بخشی مهم از مسیر حج اهالی ماوراءالنهر و ایران را تشکیل می‌داده و از این رو در تاریخ حج گزارى مسلمانان آسیا اهمیت داشته است.^۲

جمهوری آذربایجان در شرق منطقه قفقاز جنوبی، از شمال با روسیه، از شمال غربی با گرجستان، از جنوب با ایران، از غرب با ارمنستان، و از طریق منطقه خودمختار نخجوان با ترکیه هم‌مرز است و از شرق به دریای مازندران محدود می‌شود. (تصویر شماره ۲) مساحت این کشور ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع است.^۳ زبان رسمی آن آذری و پایتختش شهر باکو است. جمعیت جمهوری آذربایجان حدود هشت میلیون نفر است. مذهب ۷۰ درصد از مردم آن تشیع و ۳۰ درصد سنی حنفی است.^۴

1. www.en. apa. az

۲. تاریخ حج‌گزاری ایرانیان، ص ۱۷۰.

۳. جغرافیای کامل قفقاز، ص ۹۵-۱۰۰.

۴. دائرة المعارف الشيعيه، ج ۲، ص ۶۷؛ www.cia.gov

الرضا عليه السلام: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۴ق؛ فتح الباری: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق)، بیروت، دار المعرفه؛ فقه القرآن: الراوندی (م. ۵۷۳ق)، به کوشش حسینی، قم، کتابخانه نجفی، ۱۴۰۵ق؛ الکافی: الكلینی (م. ۳۲۹ق)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ کتاب مقدس: ترجمه: فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ش؛ کشف الاسرار: مبدی (م. ۵۲۰ق)، به کوشش حکمت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱ش؛ کمال الدین: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق؛ مستدرک الوسائل: النوری (م. ۱۳۲۰ق)، بیروت، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق؛ مسند الشافعی: الشافعی (م. ۲۰۴ق)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ معجم مقاییس اللغه: ابن فارس (م. ۳۹۵ق)، به کوشش عبدالسلام محمد، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ المنار: رشید رضا (م. ۱۳۵۴ق)، قاهره، دار المنار، ۱۳۷۳ق؛ المیزان: الطباطبایی (م. ۱۴۰۲ق)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ نور الثقلین: العروسی الحویزی (م. ۱۱۱۲ق)، به کوشش رسولی محلاتی، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ش؛ واژه‌های دخیل در قرآن مجید: آرتور جفری، ترجمه: بدره‌ای، تهران، توس، ۱۳۷۲ش؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق)، قم، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۲ق.

Judaica, Letterpress Enterprises,
Jerusalem, 1996.

علی شیخ



◀ **تاریخ آذربایجان:** سرزمین امروزی جمهوری آذربایجان، در عهد باستان با نام آلبانیا شناخته می‌شد. در برخی متون سریانی سده ششم م. نام این ناحیه به صورت ارن آمده است.^۱ این نام بعدها در دوران اسلامی برای این منطقه شهرت یافت.^۲ نام آذربایجان تنها در دوران حاکمیت شوروی، با اهداف سیاسی بر ارن اطلاق شد و رواج یافت. این در حالی است که آذربایجان در طول تاریخ، استانی از سرزمین ایران بوده و نام خود را از یکی از فرمانداران دوران هخامنشی با نام آتورپات گرفته است.^۳ پیش از حمله اسکندر، هخامنشیان بر این ناحیه سلطه داشتند. اسکندر پس از فتح ایران (۳۳۱ ق.م.) فرصت حمله به قفقاز را نیافت و به نظر می‌رسد شاهان ارن در دوران جانشینان اسکندر استقلال بیشتری یافتند. در تمام دوران اشکانیان و ساسانیان، ایران و روم بر سر تصرف ارن و ارمنستان نزاع و کشمکش داشتند. از این روی، جنگ‌هایی بسیار در این نواحی اتفاق افتاد و پادشاهان ارن گاه زیر نفوذ ایران و گاه روم بودند.^۴

نخستین یورش مسلمانان به قفقاز در سال

۱. ارن از دوران باستان تا آغاز عهد مغول، ص ۶۶.

۲. تاریخ شروان و دربند، ص ۱۶-۱۹.

۳. ارن از دوران باستان تا آغاز عهد مغول، ص ۱۱-۱۴، ۷۹-۸۱.

۴. نک: ارن از دوران باستان تا آغاز عهد مغول، ص ۲۷۹-۶۱۱.

۲۲ هجری، در پی فرمان خلیفه دوم صورت گرفت. فرمانده سپاه اسلام، سراقه بن عمرو، با حاکمان محلی ارن پیمان صلح امضا کرد.^۵ بار دیگر سلمان بن ربیع باهلی (م. ۲۹ ق.) در زمان عثمان و از طرف معاویه به این نواحی تاخت.^۶ در دوران حکومت امویان، ارمنستان و ارن زیر نفوذ خلافت درآمد و نمایندگانی از طرف خلیفه به این منطقه گسیل شدند. در دوره امویان و نیز اوایل دوران عباسیان، فرماندهان ارن با هجوم‌های پیاپی قوم خزر روبه‌رو بودند.^۷ در دوران عباسی این منطقه شاهد شورش‌هایی در مخالفت با عباسیان بود که از آن جمله می‌توان به قیام بابک خرم‌دین (م. ۲۲۳ ق.) اشاره کرد.^۸

تا پیش از حمله سلجوقیان، سلسله‌هایی نیمه مستقل مانند ساجیان (حک: ۲۷۶-۳۳۰ ق.) و شدادیان (حک: ۳۳۰-۴۶۸ ق.) در این منطقه حکم راندند.^۹ با ورود طغرل سلجوقی (م. ۴۴۲ ق.) ارن سلطه سلجوقیان را پذیرفت^{۱۰}

۵. الروض المعطار، ص ۷۸؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۵۸۰.

۶. فتوح البلدان، ص ۱۹۷؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۴۶؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۶۲۲-۶۲۳.

۷. الروض المعطار، ص ۷۸.

۸. ارن از دوران باستان تا آغاز عهد مغول، ص ۲۲۵-۴۴۲، تاریخ شروان و دربند، ص ۱۹-۲۰.

۹. تاریخ عمومی منطقه شروان، ص ۳۶-۵۲.

۱۰. ارن از دوران باستان تا آغاز عهد مغول، ص ۴۴۴-۴۹۰.

تجزیه پیش رفت و شاهان محلی حکومت‌هایی مستقل تشکیل دادند. محمد خان قاجار در سال ۱۲۰۹ با لشکرکشی به قفقاز کوشید قدرت مرکزی را دوباره در آن جا برپا کند. از سال ۱۸۰۳م. پیشروی روسیه در قفقاز آغاز شد و برخی از شهرهای این منطقه به روسیه ملحق شدند. این موضوع انگیزه جنگ اول روس و ایران بود. این جنگ‌ها با پذیرفتن عهدنامه گلستان (۱۲۲۸ش./۱۸۱۳م.) از سوی ایران و واگذار کردن قره باغ، گنجه، موقان، شکی، شروان، قبه، دربند، باکو، ولایات طالش، داغستان و گرجستان به روسیه پایان یافت. در پی جنگ‌های جدید با روسیه و به موجب عهدنامه ترکمنچای (۱۲۴۳ش./۱۸۲۸م.) ایروان و نخجوان نیز از ایران جدا شدند.^۶

در دوران حکومت روسیه، خان‌نشین‌های قفقاز استقلال داخلی خود را از دست دادند و به صورت استان‌هایی از امپراتوری روسیه درآمدند.^۷ در ۱۹۱۸م. حزب بلشویک بر باکو و مناطق شرق آذربایجان چیره شد و در مناطق میانی آذربایجان، ملی‌گرایان به رهبری حزب مساوات، دولتی مستقل تشکیل دادند. در پایان جنگ جهانی دوم، دول متحد آذربایجان را

و با حمله مغول به ایران، اران زیر سلطه مغولان رفت (۶۱۸ق.). برخی از حکومت‌های محلی این منطقه مانند شروانشاهان در این زمان به حیات خود ادامه دادند، اما باج‌گزار دولت ایلخانی بودند.^۱

شروانشاهان از نوادگان یزید بن مزید بودند که در زمان عباسیان و از طرف هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ق.) بر اران حکمرانی یافت (۱۸۳ق.) و فرزندانش توانستند در شروان فرمانروایی تشکیل دهند.^۲ شروانشاهان تا دوران صفویان بر حکومت شروان باقی ماندند و هر بار به تبعیت یکی از سلسله‌هایی درمی‌آمدند که در غرب ایران شکل می‌گرفتند.^۳

در دوران صفویه حکومت شروانشاهان به دست شاه طهماسب صفوی از میان رفت و پس از آن نمایندگان دولت صفوی در این ناحیه حاکم شدند.^۴ بعد از سقوط صفویان و جز در دوران کوتاه حکومت نادرشاه افشار (حک: ۱۱۴۸-۱۱۶۰ش.)،^۵ این منطقه به سمت

۱. نک: گلستان ارم، ص ۸۴-۱۰۷.

۲. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۲۷۰؛ تاریخ الاسلام، ج ۱۲، ص ۴۴۶؛ تاریخ عمومی منطقه شروان، ص ۵۴-۵۵؛ تاریخ شروان و دربند، ص ۴۴-۴۵.

۳. گلستان ارم، ص ۱۰۴؛ نک: اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول، ص ۴۴۲-۴۹۰.

۴. گلستان ارم، ص ۱۱۸-۱۱۹.

۵. تاریخ عمومی منطقه شروان، ص ۲۵۷.

۶. بستان السیاحه، ص ۹۴؛ تاریخ عمومی منطقه شروان، ص ۲۵۷-

۲۵۸؛ دائرة المعارف الشیعیه، ج ۱، ص ۶۴-۶۵.

۷. تاریخ عمومی منطقه شروان، ص ۲۵۸.

تصرف کردند و حزب مساوات را قانونی دانستند. با خروج متحدین در سال ۱۹۱۹م. بلشویک‌ها آذربایجان را تصرف و تشکیل جمهوری آذربایجان شوروی سوسیالیستی را اعلان کردند. دو سال بعد اتحادیه شوروی ماورای قفقاز با عضویت آذربایجان، ارمنستان و گرجستان تشکیل شد. این سه در سال ۱۹۳۶ از هم جدا شدند و هر یک جمهوری مستقلی را شکل دادند. در سال ۱۹۸۹ شورای عالی جمهوری آذربایجان، قانون حکومت ملی مستقل را به تصویب رساند و اعلان استقلال کرد. این سبب شد نیروهای نظامی شوروی به آذربایجان حمله کنند؛ اما سرانجام با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ آذربایجان به استقلال کامل دست یافت.^۱

◀ **حج‌گزاری آذربایجان:** تا پیش از جدایی آذربایجان از ایران، حج‌گزاری مردم اران بخشی از حج‌گزاری ایرانیان بود. درباره راه‌های حج مردم قفقاز یا مشکلات آنان، تا پیش از قرن دهم اطلاعاتی مستقل در دست نیست. هنگامی که راه عراق رونق داشت، حاجیان قفقاز جنوبی با عبور از ایران و بغداد راهی مکه می‌شدند. اما هرگاه راه عراق از رونق می‌افتاد، آنان با عبور از آنتولی و قلمرو دولت عثمانی، به قدس و سپس از راه مصر یا

شام به مکه می‌رفتند.^۲ با رونق یافتن سفر دریایی در قرن نوزدهم، حاجیان اران با عبور از دریای سیاه به استانبول و سپس از طریق مصر و دریای سرخ به جده رهسپار می‌شدند.

◀ **آذربایجان در مسیر حج:** از زمان بر سرکار آمدن دولت صفوی در ایران و در زمان‌هایی که راه عراق بسته بود، مسیر حج ایرانیان از اران می‌گذشت. البته در آن روزگار، اران جزء قلمرو دولت ایران بود. ایرانیان با گذشتن از استان‌های شمال غرب کشور با عبور از شهرهایی مانند نخجوان و گنجه، به سوی مرزهای عثمانی رهسپار می‌شدند.^۳

آذربایجان در مسیر حج مردم آسیای میانه نیز قرار داشت. در قرن نوزدهم مردم آسیای میانه با عبور از عرض دریای خزر معمولاً از بندر باکو برای رفتن به سوی سرزمین‌های عثمانی استفاده می‌کردند و در ادامه از راه زمینی به بندر باتوم و دریای سیاه می‌رفتند.^۴

با رونق یافتن کشتیرانی در دریای خزر و حرکت کشتی‌های بخار در این دریا و همچنین راه‌اندازی راه آهن باکو - باتوم (۱۸۸۳م)، راه آذربایجان بسیار رونق یافت. در

۲. تاریخ مکه، ص ۲۱۸-۲۱۹.

۳. نک: سفرنامه بانوی ایرانی، تاریخ حج‌گزاری ایرانیان، ص ۱۷۰-۱۷۱.

۴. مقالات تاریخی، دفتر هفدهم، ص ۱۰۴، «راه حج نماد تمدن و پیوند اسلامی».

۱. دائرة المعارف الشیعیه، ج ۲، ص ۶۵-۶۷.

به سوی عتبات عالیات و سپس حجاز رهسپار می‌شدند. در مشکلاتی که برای شیعیان در حجاز ایجاد می‌شد، آذری‌ها نیز شریک بودند. از این روی، برخی از حاجیان شیعی استان ایروان روسیه، خود را داغستانی معرفی می‌کردند تا از گرفتاری‌های دامنگیر حاجیان شیعه در حجاز بگریزند.^۲

وظیفه سازماندهی حاجیان قفقاز را افرادی با نام چاووشی* برعهده داشتند. این افراد هر ساله در مناطق مختلف قفقاز حضور می‌یافتند و به سازماندهی حاجیان در قالب کاروان‌هایی اقدام کرده، آنان را بدون هیچ مشکلی از مرزهای ایران عبور می‌دادند. چاووشی‌ها از ساکنان همین مناطق یا از عرب‌ها و ترک‌های مهاجر به روسیه بودند.^۳ در آغاز، ساکنان مناطق مختلف آذربایجان و ارمنستان و قفقاز برحسب سکونت‌گاه خود به یکی از شهرهای تبریز، اردبیل، خوی، انزلی و ... می‌آمدند. آن‌گاه از هریک از این شهرها قافله‌ای راه می‌افتاد و هر کدام از مسیری به سمت کرمانشاه حرکت می‌کرد و در آن شهر با سایر قافله‌ها آمیخته، همراه کاروان حج ایرانیان راهی مکه می‌شد.^۴

با وجود این نباید پنداشت که حج اهالی

این دوران مردم آسیای میانه با عبور از عرض دریای مازندران در شهر باکو پیاده می‌شدند و از طریق راه آهن به سمت باتوم و دریای سیاه می‌رفتند. حاجیان ایران نیز فراوان از شرق دریای خزر یا بندر انزلی در غرب آن، با کشتی به بندر باکو می‌آمدند و از مسیر راه آهن به باتوم می‌رفتند. در دوران قاجاریه این مسیر رواج داشت. در سفرنامه‌های آن دوران از جمله سفرنامه فرهاد میرزا، محمد حسین فراهانی، میرزا داود، نائب‌الصدر شیرازی و امین الدوله، مسیر سفر حاجیان از این طریق به تفصیل وصف شده است. نویسندگان این سفرنامه‌ها در عبور از شهرهای آذربایجان، اطلاعاتی از تاریخ اجتماعی این سرزمین به دست داده‌اند.^۱

۱.۷ حج آذربایجان در دوران

حاکمیت روسیه: با جدایی آذربایجان از ایران در پی معاهده گلستان و ترکمنچای در سال‌های آغازین سده نوزدهم، حج‌گزاری آذربایجان زیر مجموعه روس‌ها قرار گرفت. تشیع اکثر مردم آذربایجان موجب ارتباط گسترده آنان با ایرانیان بود و حج شیعیان قفقاز را با حج‌گزاری ایرانیان پیوند می‌داد. در سده نوزدهم شیعیان قفقاز برای رفتن به مکه از ایران می‌گذشتند و همراه با کاروان‌های ایرانی

۲. الحج قبل مئة سنة، ص ۱۹۵-۱۹۷.

۳. الحج قبل مئة سنة، ص ۱۶.

۴. الحج قبل مئة سنة، ص ۱۶-۱۸.

۱. تاریخ حج‌گزاری ایرانیان، ص ۳۱۵-۳۱۷، ۴۱۰-۴۱۲؛ راه حج، ص ۲۲۱، ۲۲۳.

قفقاز تنها از مسیر ایران بوده است. حاجیان سنی مذهب و شماری از حاجیان شیعه مذهب قفقاز همراه با دیگر مسلمانان روسیه از مسیر دریای سیاه و استانبول به حج می‌رفتند. میرزا حسین فراهانی که در سال ۱۳۰۲ق. راهی حج شده، شمار معمول حاجیان قفقازی را ۳۰۰ تا ۶۰۰ نفر دانسته و آنان را به دو گروه قسمت کرده است: گروهی با مذهب شافعی که از منطقه داغستان و چین می‌آمدند و گروهی با مذهب تشیع که از گنجه، شماخی، باکو، شیروان و تفلیس می‌آمدند. او با اشاره به شمار حاجیان در آن سال که ۵۰۰ نفر بوده، همگی را از شهروندان روسیه شمرده که از راه استانبول به حج رفته‌اند.^۱

نیکوکاران در حجاز مکان‌هایی ویژه برای سکنا دادن به حاجیان روسی ساخته بودند و مطوفان مخصوص امور حج آنان را بر عهده داشتند. در سال ۱۸۹۸م. سه مطوف* برای حاجیان روسی وجود داشته که یکی متعلق به حاجیان قفقازی بوده است.^۲ در این سال ۱۰۰ نفر از اهالی قفقاز به حج رفته‌اند.^۳

در دوران حکومت تزارها، حج مسلمانان از کشور روسیه با دشواری‌هایی همراه بوده

است. حاکمان روسیه با توجه به تأثیر سیاسی حج در اتحاد میان مسلمانان از سویی و فراگیری نهضت‌های اسلام‌گرا و استعمارستیز از سوی دیگر، می‌کوشیدند شهروندان مسلمان خود را از ادای تکلیف حج بازدارند.^۴

بیشترین مشکل حاجیان روسی در این دوران، تهیه گذرنامه بود که بر اثر ممنوعیت حج از جانب روس‌ها و همچنین به سبب پیچیدگی مراحل اداری آن، با دشواری‌های بسیار روبه‌رو می‌شد. آن دسته از حاجیان آذربایجانی که از ایران به حج نمی‌رفتند، با این مشکل برخورد می‌کردند و ناچار بودند برای رفع این مشکل از گذرنامه‌های قدیمی استفاده کنند که دلالت آن‌ها را می‌فروختند.^۵ از مسائل مشکل آفرین در حج مردم روسیه، به ویژه اهالی قفقاز، حساسیت دولت روسیه به بیماری‌های فراگیر در حجاز بود. امین الدوله که در سال ۱۳۱۶ در مسیر سفر حج از باکو و تفلیس گذشته، با اشاره به وسواس دولت روسیه درباره رواج بیماری در مکه و مدینه و جده، از تعطیلی حج مردم روسیه در دو سال اخیر خبر داده است.^۶ به گفته او، مقام‌های روسی به مجرد رواج شایعه وجود بیماری در حجاز، حج

۴. الحج قبل مئة سنة، ص ۱۴-۱۶، ۳۱۳.

۵. الحج قبل مئة سنة، ص ۱۹.

۶. سفرنامه‌های حج قاجار، ج ۶، ص ۲۵۸، «سفرنامه

امین‌الدوله».

۱. سفرنامه فراهانی، ص ۱۶۸.

۲. الحج قبل مئة سنة، ص ۲۰۶.

۳. الحج قبل مئة سنة، ص ۱۹۵.

اخیر بین ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر بوده است.^۴ آنان از دو راه زمینی و هوایی به مکه سفر می‌کنند. تقریباً نیمی از ایشان با اتوبوس و از راه زمینی و مسیر ترکیه، سوریه و اردن به سمت حجاز رهسپار می‌شوند. در سال‌های پس از استقلال آذربایجان، همکاری ایران با این کشور در زمینه حج چشمگیر بوده است. در سال‌های نخستین استقلال آذربایجان که حج آذری‌ها هنوز سامان نیافته بود، شیعیان آذری در قالب کاروان حاجیان جمهوری اسلامی ایران به حج می‌رفتند و این روال تا سال ۱۹۹۴م. ادامه داشت.^۵ از آن پس نیز در برخی سال‌ها مسئولیت ساماندهی و مدیریت کاروان‌های حج آذربایجان بر عهده سازمان حج ایران قرار گرفته و از امکانات ایران در سرزمین حجاز برای این حاجیان استفاده شده است.^۶ افزون بر این، نمایندگی بعثه جمهوری اسلامی در جمهوری آذربایجان، بخشی از آموزش حاجیان آذربایجانی را بر عهده دارد.^۷

◀ **آداب و رسوم حج:** در آذربایجان، شب قبل از سفر حاجی، نزدیکان در منزلش

شهروندان مسلمان روسیه را ممنوع می‌کردند.^۱ در دوران حکومت کمونیستی، حج آذربایجانی‌ها با دشواری‌هایی جدید روبه‌رو شد. با تصرف آذربایجان از جانب شوروی در سال ۱۹۲۰م. حج مردم آذربایجان زیر نفوذ سیاست‌های کلی کشور شوروی قرار گرفت و از همین سال نیز حج در این کشور ممنوع شد.^۲ در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، برخی آزادی‌های مذهبی به قومیت‌ها داده شد که البته تأثیری چندانی بر حج‌گزاری آنان نداشت، جز این که از طرف دولت روسیه هیئتی تقریباً ۳۰ نفره از شوروی به حج می‌رفت و این وضع تا سال‌ها ادامه داشت. در پی اجرای سیاست‌های آزادسازی گورباچف، حج‌گزاری در شوروی آزادتر شد و در این دوران، شمار حاجیان روسیه افزایش یافت.^۳

۲. **دوران معاصر:** با فروپاشی حاکمیت کمونیسم (۱۹۹۱م.) و استقلال جمهوری آذربایجان، اجرای فرایض دینی، از جمله حج، در این کشور آزاد شد. امروزه حج مردم آذربایجان زیر نظر اداره مسلمانان قفقاز انجام می‌گیرد. شمار حاجیان آذربایجان در سال‌های

4. www.en.trend.az; www.en.apa.az.

۵. جزوه تحقیقی دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمهوری آذربایجان، ص ۴۲-۴۳.

۶. با کاروان صفا، ص ۱۴۴.

۷. جزوه تحقیقی دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمهوری آذربایجان، ص ۴۴.

۱. سفرنامه‌های حج قاجار، ج ۶، ص ۲۵۸، «سفرنامه امین‌الدوله».

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۲۴۳.

۳. الحج قبل مئة سنة، ص ۲۹؛ جزوه تحقیقی دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمهوری آذربایجان، ص ۲۱.

گرد هم می‌آیند و او از آشنایان و بستگان حلالیت می‌طلبد. حاجیان قبل از رفتن به حج، به زیارت مزار اولیا و بزرگان دینی می‌روند. هنگام بازگشت حاجی، خانواده و فامیل به استقبال او می‌روند و برایش گوسفند قربانی می‌کنند. حاجی در پی بازگشت از سفر ضیافتی ترتیب می‌دهد که به سفره علی علیه السلام معروف است. افزون بر این، تا چند روز مردم به دیدار حاجی آمده، از سفره احسان و آب زمزم بهره می‌برند.^۱ در گذشته حاجیان در پی بازگشت از سفر حج لباسی موسوم به چوخا می‌پوشیدند. چاووشی خوانی پیش از سفر حج نیز از دیگر مراسم سنتی آذربایجان بود. در این مراسم چاووش خوان با خواندن اشعار دینی به در خانه زائران می‌رفت و از آنان صله می‌گرفت.^۲ تهیه سوغاتی نیز میان حاجیان آذربایجانی رواج دارد. از جمله سوغاتی‌های معمول حج می‌توان به تسبیح، خرما، آب زمزم و انگشتری اشاره کرد.^۳

و اما در زمینه رابطه مشاهیر این سرزمین با حرمین، می‌توان از ابوالساج یاد کرد که فرزندانش بنیان‌گذاران سلسله ساجیان در

آذربایجان و اران بودند. محمد بن ابی الساج و یوسف بن ابی الساج نیز مدتی از طرف معتمد عباسی (حک: ۲۵۶-۲۷۹ق.) حکمرانی مکه و مدینه را داشتند.^۴ از میان حج‌گزاران شهیر علمی و ادبی این سرزمین هم می‌توان به خاقانی شروانی (۵۲۰-۵۹۵ق.) شاعر بلند آوازه اشاره کرد که در منظومه *تحفة العرّاقین*^{*} گزارشی از سفر حج خود آورده است.^۵ نویسنده *مصباح الحرمین* که کتابی است در آداب حج، از مردم قفقاز بوده است.^۶ زین العابدین شروانی (حک: ۱۱۹۴-۱۲۵۳ق.) که از دانشوران متولد شروان بود، به مسافرت در کشورهای اسلامی پرداخت و از جمله چند ماهی را در مکه و مدینه ماند و گزارش سفر خود را در کتاب *بستان السیاحه* ثبت کرد.^۷ باکی خان اف از جمله بزرگان ادبیات آذربایجان است که در سال ۱۸۴۶م. به حج رفت. سفرنامه حج مشهوری نیز از اسماعیل بی‌قوتقاشنلی در دست است که از سرداران نظامی در دوران امپراتوری روسیه بود. در سال‌های اخیر حیدر علی اف رئیس جمهور

۴. تاریخ طبری، ج ۱۰، ص ۸۰: العقد الثمین، ج ۷، ص ۴۸۷؛

ج ۲، ص ۲۵؛ اران از دوران باستان تا عهد مغول، ص ۴۴۴-

۴۴۵

۵. تاریخ حج‌گزاری ایرانیان، ص ۶۴-۶۵

۶. مصباح الحرمین، ص ۸-۹.

۷. خاطرات زیارت خانه خدا و عتبات عالیات، ص ۴۹۲-۴۹۹.

۱. تحقیقات میدانی، رایزنی فرهنگی ایران در آذربایجان.

۲. جزوه تحقیقی دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمهوری آذربایجان، ص ۳۳، ۳۸.

۳. جزوه تحقیقی دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمهوری آذربایجان، ص ۶۱.

عبدالعزیز دولتشین، به کوشش ریزفان، بیروت، دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۹۹۳ق؛ خاطرات زیارت خانه خدا و عتبات عالیات: محمدرضا خانی، به کوشش پاک گوهر و سعیدی، ۱۳۶۶ش؛ دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة: حسن الامین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۴۲ق؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی: زیر نظر بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ، ۱۳۷۲ش؛ راه حج: رسول جعفریان، تهران، زیتون سبز، ۱۳۸۹ش؛ الروض المعطار: محمد بن عبدالمنعم الحمیری (م. ۹۰۰ق.)، بیروت، مکتبة لبنان، ۱۹۸۴م؛ سفرنامه امین الدوله: به کوشش رسول جعفریان، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۹ش؛ سفرنامه منظوم حج: بانوی اصفهانی، به کوشش میرزا محمد حسین فراهانی: محمد فراهانی، به کوشش مسعود گلزاری، فردوسی، تهران، ۱۳۶۲ش؛ العقد الثمین: محمد الفاسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش فؤاد سید، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۶ق؛ فتوح البلدان: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، بیروت، دار الهلال، ۱۹۸۸م؛ گلستان ارم: عباسقلی آقاندسی، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲ش؛ مصباح الحرمین: عبدالجبار شکویی، به کوشش طباطبایی، تهران، مشعر، ۱۳۸۴ش؛ مقالات تاریخی: رسول جعفریان، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷ش.

www.en.trend.az

www.en.apa.az

www.cta.gov

گروه حج گزاری



آذربایجان در سال ۱۹۹۴م. به سفر حج رفت.^۱

◀ منابع

ازان از دوران باستان تا آغاز عهد مغول: عنایت‌الله رضا، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶ش؛ الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ با کاروان صفا در سال ۸۲: رسول جعفریان، مشعر، ۱۳۸۳ش؛ بستان السیاحه: زین العابدین شروانی، کتابخانه نسائی؛ تاریخ الاسلام و فیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ حج گزاری ایرانیان: اسراء دوغان، مشعر، تهران، ۱۳۸۹ش؛ تاریخ شروان و دربند: و. مینورسکی، ترجمه: محسن خادم، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ش؛ تاریخ عمومی منطقه شروان: رحیم رئیس نیا، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۶ش؛ تاریخ مکه: احمد السباعی (م. ۱۴۰۴ق.)، نادى مكة الثقافی، ۱۴۰۴ق؛ تحقیقات میدانی: رایزنی فرهنگی ایران در آذربایجان (محل نگهداری: کتابخانه دانشنامه حج و حرمین شریفین)؛ جزوه تحقیقی دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمهوری آذربایجان؛ جغرافیای کامل قفقاز: بهرام امیراحمدیان، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱ش؛ الحج قبل مئة سنة:

۱. جزوه تحقیقی دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمهوری آذربایجان، ص ۱۷، ۳۹، ۴۳.